

استعلام:

1- برای اجرای حکم اعسار ملاک قطعیت آن است به نحوی که تا قبل قطعیت حکم اعسار برای پیش قسط و اقساط تعیین شده جلب ممکن نیست؟ 2- آیا در مورد زنان کارمند حسب ماده 96 قانون اجرای احکام یک سوم حقوق کسر می شود مگر اینکه سرپرست خانه وار باشند؟ 3- چنانچه محکوم علیه از 2 محل حقوق دریافت نماید آیا کسر 3/1 یا 4/1 حسب مورد از یک حقوق است کدام یک به اختیار قاضی است؟ 4- نحوی تقسیمی 7 میلیون طلا در سال 78 به نرخ روز که در عقدنامه زوج ملزم به پرداخت می باشد به چه نحو می باشد؟ 5- محکوم علیه محکوم به پرداخت 114 سکه بهار بابت مهریه است و محکوم تقاضای توقیف و کسر حقوق محکوم له را دارد نحوی احتساب حقوق از سکه مورد حکم چگونه است و آیا اصولاً امکان دارد./ع

پاسخ:

1- مهلت سی روزه مقرر در ماده 3 قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب 1394، به منظور جلوگیری از حبس محکومی است که وضعیت وی از جهت اعسار یا ایسار مجهول است؛ اما محکومی که پیش از قطعیت حکم و ابلاغ اجرائیه، درخواست اعسار تقدیم کرده و قسمتی از محکوم به تقسیط و بخشی دیگر رد شده باشد (تعیین پیش قسط)، دیگر وضعیت وی از حالت مجهول خارج شده است و لذا در صورتی که طرف ده روز از تاریخ ابلاغ اجرائیه به تکلیف خود عمل نکند، به تقاضای محکوم له امکان اعمال ماده 3 قانون یادشده و جلب و بازداشت وی در خصوص پیش قسط (قسمتی از محکوم به که اعسار راجع به آن رد شده است) وجود دارد. قسمت اخیر ماده یادشده نیز مؤید این برداشت است و در صورتی که محکوم علیه اقساط تعیین شده را در زمان مقرر پرداخت نکند، هر چند سررسید اقساط داخل در مهلت سی روزه یادشده باشد، به تقاضای محکوم له جلب و بازداشت خواهد شد. 2- با توجه به اهمیت حقوق (اعم از مزد و مزایا و ...) مستخدمان در تأمین معیشت آن ها و ابعاد انسانی، اجتماعی و اقتصادی آن و ضرورت مصونیت حداقلی آن، ماده 96 قانون اجرای احکام مدنی مصوب 1356 به نحو اطلاق، توقیف و برداشت بیش از ثلث حقوق و مزایای کارکنان موضوع این ماده را منع نموده است و در این خصوص تفاوتی در جنسیت کارکنان قایل نشده است و لکن وجود زن یا فرزند برای کارکنان مزبور را موجب تسری حمایت های منکور به سقف یک چهارم (ربع) نموده است؛ بدیهی است که در خصوص قسمت اخیر، چنانچه کارکنان زن، فرزند یا فرزندی داشته باشند که به موجب قوانین تحت تکفل آن ها باشند، از حمایت مزبور (عدم کسر بیش از ربع از حقوق و مزایای ایشان) برخوردار خواهند شد. 3- در فرضی که محکوم علیه بیش از یک حقوق دریافت کند؛ مانند آن که در دو محل اشتغال داشته باشد و از هر دو مرجع حقوق دریافت دارد، هر دو حقوق مشمول اطلاق ماده 96 قانون اجرای احکام مدنی مصوب 1356 است و از هر یک تا میزان مقرر در این ماده می توان توقیف کرد. 4- در خصوص چگونگی تقسیمی مهریه ای که عبارت است از: «هفت میلیون تومان طلا در سال 1378 به نرخ روز»، اولاً، تشخیص موضوع و احراز قصد مشترک طرفین با توجه به سند نکاحیه و شرایط حکم بر آن بر عهده مرجع رسیدگی کننده است. ثانیاً، به نظر می رسد، با توجه به این که وجه رایج به میزان مشخص بابت مهریه، تعیین و در سند نکاحیه تصریح شده، اما مشخصات طلائی که معادل با مبلغ منکور تعیین شده، قید نشده است، لذا طلائی مجهول، قابل مطالبه نبوده و فقط مبلغ وجه رایج معادل آن که در سند نکاحیه درج شده، به نرخ روز قابل محاسبه و تقسیمی است. با این حال، همان گونه که گفته شد تشخیص مصداق بر عهده مرجع رسیدگی کننده است. 5- هرگاه مهریه تعدادی سکه طلا باشد، زوج مکلف است همان تعداد را تهیه و تحویل نماید و در صورت امتناع و یافت نشدن سکه در اموال وی، به استناد ماده 29 آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مصوب 1387 سکه ها تقویم و معادل قیمت آن از محل دیگر اموال زوج وصول می شود و هرگاه زوج حقوق بگیر باشد. وفق ماده 83 همان آیین نامه از حقوق وی کسر می شود. باید توجه داشت که اولاً، کسر حقوق به معنای تقسیمی محکوم به نیست. ثانیاً، از آن جا که استیفای محکوم به از محل حقوق، مدتی به طول می انجامد، تقویم سکه ها تنها برای همان زمان تقویم ملاک است و هرگاه متعاقباً قیمت مسکوکات طلا افزایش یابد، چون تکلیف زوج به پرداخت عین سکه ها هم چنان به قوت خود باقی است، قیمت یوم الاداء ملاک است و تقویم اولیه فی نفسه به معنای توافق بر پرداخت قیمت و عدول زوجه از مطالبه عین سکه ها نمی باشد؛ مگر آن که خلاف آن برای دادگاه احراز شود.